

بررسی انتقادی کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان در پرتو منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران

قدرت‌الله خسروشاهی*

سعیده یراقی**

چکیده

اروپا پس از رنسانس و به رسمیت شناختن بسیاری از حقوق فردی و انسانی درصدد تصویب قوانینی برآمد که بتواند این حقوق را تأمین کند. در این میان زنان نیز که از ابتدایی‌ترین حقوق مدنی، بهره‌ای نداشتند، طی کنوانسیون‌ها و معاهده‌هایی صاحب امتیازاتی شدند. یکی از این موارد، «کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان» است. این پژوهش با روش تحلیل اسنادی در نظر دارد مقایسه‌ای بین «کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان» با «منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران» انجام دهد. مهم‌ترین اصل در این کنوانسیون القای مفهوم تشابه حقوقی بین زن و مرد است که با طرح این مبحث زنان را از قدرت‌نمایی در محیط خانواده خارج کرده و روانه‌ی محیط‌های مردانه کرده است؛ در حالی که در منشور «حقوق و مسئولیت‌های زنان در ایران» مبنای اساسی، بر یکسانی زن و مرد در فطرت، سرشت، هدف خلقت، برخورداری از امکانات و استعدادها و امکان کسب ارزش‌ها در اسلام می‌باشد و انسان‌ها فارغ از جنسیت فقط به واسطه‌ی رشد همه‌جانبه‌ی انسانی در سایه‌ی دانش و تقوای الهی بر یکدیگر مزیت دارند. این منشور می‌تواند در جامعه‌ی ایران و بقیه‌ی کشورهای اسلامی مبنایی برای برخورداری زنان از حقوق شایسته و بایسته‌ی خویش باشد.

واژگان کلیدی

کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، حقوق زنان.

*- عضو هیئت علمی دانشکده حقوق/دانشگاه اصفهان.

** - کارشناس ارشد مطالعات زنان دانشکده اهل‌البیت (علیه‌السلام)/دانشگاه اصفهان

مقدمه

در طول تاریخ تلاش‌ها و فعالیت‌های زیادی انجام شده تا زنان بتوانند به حقوق فردی و مدنی خویش دست پیدا کنند. تصویب قوانین مختلف، میثاق‌ها و معاهده‌ها نشان از اهمیت این مسئله دارند. در این میان کنوانسیون «رفع هرگونه تبعیض از زنان» موقعیت ویژه‌ای داشته و ملاکی برای قضاوت در مورد حقوق اعطا شده به زنان در کشورهای عضو است. این کنوانسیون در ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۹ (۱۳۵۸ش) در مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شد. پیام اصلی کنوانسیون برابری کامل زن و مرد و از میان رفتن همه‌ی تمایزها در عرصه‌ی حقوقی، سیاسی و اجتماعی است؛ مگر آنکه این تمایزات از نوع «تبعیض مثبت» و به معنای اعطای حقی خاص به زنان به منظور ارتقای وضعیت آنها و دستیابی به وضعیتی برابر با مردان باشد. همچنین دومین محور بحث در این کنوانسیون مفهوم «آزادی» است. در اندیشه‌ی لیبرالیستی هیچ ارزشی به غیر از آزادی دیگران نمی‌تواند آزادی انسان را محدود کند و سخن از قبول آزادی در چارچوب ارزش‌های متعالی، سخنی بی‌معنا است (دفتر مطالعات زنان، ۱۳۸۲: ۶۷). سؤال اساسی این است که آیا این کنوانسیون توانسته است باعث ارتقای نیازهای حقوقی زنان شود؟ آیا موانع حقوقی زنان برای پیشرفت‌های مدنی، خواست‌های آنها را برآورده کرده است؟ نقاط ضعف این کنوانسیون در کشورهایی که فرهنگی متفاوت از فرهنگ غرب دارند چیست؟ در سال ۱۳۸۳، در ایران پس از سال‌ها تلاش و اصلاحیه‌های مختلفی که در قوانین انجام شده، منشوری با عنوان «منشور

بررسی انتقادی کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان

حقوق و مسؤولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران» توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی تدوین شد. این مقاله در صدد است که مقایسه‌ای بین این منشور و کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان با روش تحلیل اسنادی انجام داده و به نقاط قوت این منشور نسبت به کنوانسیون اشاره کرده باشد. به امید اینکه این منشور، هم در داخل کشور به رسمیت بیشتری شناخته شود و هم اینکه بتواند محور گفت‌وگو با دیگر کشورهای اسلامی در خصوص مسائل زنان قرار گیرد. لازم به ذکر است این مقاله با هدف مقایسه‌ی مفاد کنوانسیون با قوانین و مقررات اسلام نبوده، بلکه تنها به نقاط ضعف کنوانسیون در مقایسه با نقاط قوت منشور حقوق زنان در ایران اشاره کرده است. موارد مقایسه شده در شش عنوان بحث شده است.

۱- بررسی تطبیقی مبانی و هدف شکل‌گیری کنوانسیون و منشور

مبانی شکل‌گیری کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان بر پایه‌ی «کرامت و ارزش هر فرد انسانی و برابری حقوق زن و مرد است با این اصل که تبعیض مقبول نیست، کلیه‌ی افراد بشر آزاد به دنیا آمده‌اند، منزلت و حقوق یکسانی دارند و بدون هیچ تمایزی از جمله تمایزات جنسی، حق دارند از کلیه‌ی حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه برخوردار شوند. در واقع هدف اصلی این کنوانسیون از بین بردن همه‌ی تمایزات جنسی مبتنی بر جنسیت است که در حوزه‌های مختلف سیاسی، حقوقی و اجتماعی رؤیت می‌شود. اجرای کنوانسیون بر عهده‌ی کمیته‌ای است که شامل ۲۳ کارشناس است. دول عضو موظف‌اند هر چهار سال یکبار گزارش‌های

خود را در دو بخش تنظیم کرده و آن را به کنوانسیون ارسال کنند. بخش اول گزارش شامل تشریح عملکرد سیاسی، قضایی و اجتماعی کشورهای عضو در جهت ارتقای تساوی حقوق و اقدامات عمومی دولت‌ها در قبال اجرای مفاد کنوانسیون و بخش دوم آن حاوی تشریح جزئیات اقدامات انجام شده جهت بررسی تک تک مواد کنوانسیون است (طاهری، ۱۳۸۲: ۲۷۷ و ۲۷۸). این در حالی است که مبانی منشور حقوق زنان ایران با الهام از شریعت جامع اسلام و نظام حقوقی آن و با تأکید بر شناخت و ایمان به خداوند متعال به عنوان مبدأ هستی و خالق موجودات و اختصاص تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر او تدوین شده است. اصول اساسی منشور بر این اعتقاد بنیادی استوار است که در اسلام زن و مرد در فطرت و سرشت و هدف خلقت، برخوردار از استعدادها و امکانات، امکان کسب ارزش‌ها و پاداش و جزای اعمال در برابر خداوند یکسان هستند و انسان‌ها فارغ از جنسیت فقط به واسطه‌ی رشد همه جانبه‌ی انسانی در سایه‌ی رشد دانش و علم و تقوای الهی بر یکدیگر مزیت دارند. هدف این منشور تبیین نظام‌مند حقوق و مسئولیت‌های زنان در عرصه‌های حقوق فردی، اجتماعی و خانوادگی است، همچنین ایجاد زمینه‌ی رشد هماهنگ و متوازن ابعاد مادی و معنوی در زندگی فردی و اجتماعی زنان می‌شود.

در شکل‌گیری منشور حقوق زنان در ایران شریعت جامع اسلام مد نظر بوده است. در مکتب اسلام زن و مرد هر دو انسان و از حقوق متساوی بهره‌مندند، اما بر مبنای آموزه‌های اسلام، زن و مرد به دلیل اینکه یکی زن

بررسی انتقادی کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان

است و دیگری مرد و خلقت و طبیعت آنها یکسان نیست، در برخی حقوق و تکالیف و مجازات‌ها متفاوت‌اند. امروزه، دنیای غرب سعی می‌کند، میان زن و مرد از لحاظ قوانین و مقررات و حقوق و وظایف وضع مشابهی به وجود آورد و تفاوت‌های غریزی و طبیعی زن و مرد را نادیده بگیرد. کلمه‌ی تساوی حقوق یک عنوان تزویرآمیز است که برای تساوی نقش در جامعه گذاشته شده است (مطهری، ۱۳۷۱: ۴۲). در دیدگاه انسان محور، ریشه‌ی قواعد حقوقی را باید در انسان چه به صورت فرد و چه به صورت جامعه جست‌وجو کرد. همچنین نبود تفاوت میان حقوق زن و مرد به عنوان یک اصل اساسی پذیرفته شده و در نتیجه تحلیل حقوق زن مجزای از حقوق مرد چندان موجه نیست مگر در مواردی که تأکیدی در کار باشد. در حالی که در نظام حقوقی اسلام منشأ و مبدأ پیدایش حق و مسئولیت اراده‌ی تشریعی خداوند است که البته وی از چنین اعمال اراده‌ای هیچ گونه نفع و یا رفع نقصی برای خود در نظر نگرفته است بلکه همه برای مصلحت بندگان است (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰: ۲۴). مهم‌ترین عنصر فرهنگ غرب اومانیزم یا اصالت انسان است که به معنای بازگشت به انسان به جای خدا، بازگشت به زمین به جای آسمان و بازگشت به زندگی دنیا به جای آخرت‌گرایی است (مصباح، ۱۳۷۸: ۷۸). این اصل یکی از بنیادی‌ترین مبانی و پایه‌هایی است که کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان بر اساس آن پی‌ریزی شده است. در این نظریه، انسان محور و خالق ارزش‌هاست و تفکر انسانی همه چیز حتی سرنوشت موجودات را تعیین می‌کند و معیار سنجش خوبی‌ها و بدی‌هاست. کنوانسیون در پی آن است که

زنان در کامجویی از مردان عقب نمانند و در میدان رقابت لذت‌جویی همگام و همسان مردان به پیش روند. لازمه‌ی این آرمان آن است که به تفاوت‌های طبیعی موجود بین زن و مرد در موقعیت‌های اجتماعی و برخورداری از لذاذ دنیاوی به چشم تبعیض نگریسته شود و هدف هم از بین بردن این تفاوت‌ها به عنوان مشکل اصلی لذت‌جویی بیشتر زنان و برقراری تساوی و به تعبیر صحیح یکسانی زن و مرد در حقوق و تکالیف باشد (باقرزاده، ۱۳۸۲).

در واقع زیرساز داخلی نظام حقوق بشر در اسلام عبارت است از قواعد تنظیم‌گر روابط فردی و اجتماعی انسان‌ها در حالی که در نظام غیر الهی بسیاری از تکالیف و وظایف فردی از حیثه‌ی مسائل حقوقی بیرون شمرده شده و آنها را تنها اموری اخلاقی می‌داند که تصمیم‌گیری درباره‌ی آنها بر عهده‌ی خود فرد یا جامعه‌ای است که در حوزه‌ی نیازها و روابط فردی تصمیم می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۱). عصر حاضر، عصری است که غرب در صدد جهانی کردن فرهنگ خود و حاکمیت آن بر همه‌ی جوامع است و برای این منظور تلاش گسترده و برنامه‌ریزی شده‌ای را به کار گرفته است. یکی از این راه‌ها تدوین کنوانسیون‌ها و معاهده‌هایی است که به وسیله‌ی آنها بتواند عناصر فرهنگی خود را آرام آرام وارد فرهنگ‌های دیگر کند. لازم به ذکر است که زن و مرد از نظر ویژگی‌های جسمی و روانی تفاوت‌هایی دارند که این تفاوت‌ها مبتنی بر حکمت الهی و به عنوان راز تداوم حیات بشر کلیت منسجمی را تشکیل می‌دهد. این تفاوت‌های طبیعی منشأ تفاوت‌های حقوقی شده که مبتنی بر عدالت خداوند متعال است؛ لذا منجر به کم شدن ارزش زن

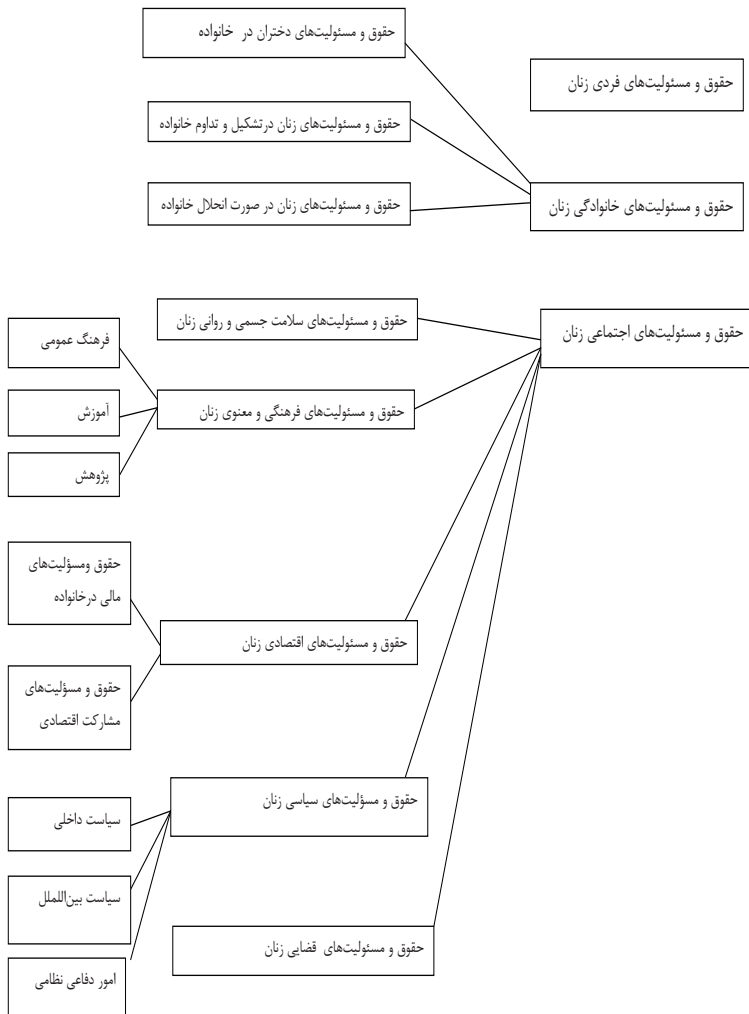
یا تبعیض ظالمانه بین زن و مرد نمی‌گردد.

۲- بررسی تطبیقی نحوه‌ی تقسیم‌بندی کنوانسیون و منشور

در کنوانسیون رفع تبعیض علی‌رغم دارا بودن مقدمه و سی ماده، تقسیم‌بندی منسجم و مشخصی از حقوق و اختیارات زنان مشاهده نمی‌شود و تنها از حقوق زنان سخن گفته شده است؛ در حالی که در منشور حقوق زنان در ایران علاوه بر حقوق، از مسئولیت‌ها هم سخن به میان آمده و این مسئله باعث شده نگاه دقیق‌تر و جامع‌تری نسبت به حقوق و مسئولیت‌های زنان داشته باشد. در این منشور حقوق و مسئولیت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی زنان به طور مجزا و تفکیک شده محل بحث قرار گرفته است. حقوق عبارت است از: «مجموع قواعد الزام‌آوری که بر رفتار اجتماعی انسان حکومت می‌کند و قدرت حاکم بر جامعه - در زمان ما دولت- اجرای آن را تضمین می‌نماید»؛ بر این اساس از منظر علم حقوق، هر حقی سه رکن دارد: موضوع حق، صاحب حق و کسی که رعایت حق بر او واجب است. در واقع حق و تکلیف دو روی یک سکه‌اند؛ هر صاحب حقی متناسب با حقوقی که دارد، تکالیفی نیز بر عهده خواهد داشت و هر صاحب تکالیفی متناسب با تکالیف خود حقوق و امتیازاتی دارد (دانش‌پژوه و خسروشاهی، ۱۳۸۹: ۱۰۵). با یک مرور ساده در جریان‌های فمینیستی جهان غرب به خوبی می‌توان دریافت که هر کدام از این جریان‌ها تنها به بعد یا ابعادی از خصوصیت زنان پرداخته و از سایر ویژگی‌ها غفلت ورزیده‌اند. حال آنکه شخصیت زن هم‌زمان ابعاد مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی

دارد و هر یک از این ابعاد نیز به نوبه‌ی خود از زوایای مختلف و متنوعی برخوردار است. بنابراین تفکیک مسائلی چون اشتغال، حقوق شهروندی یا مشارکت سیاسی از ابعاد اخلاقی و تربیتی و نقش‌های ویژه‌ی خانوادگی سبب خواهد شد که نه تنها راه حل واقعی برای بازگشایی گره از مشکلات و معضلات زنان گشوده نگردد، بلکه در دراز مدت آسیب‌های جدی‌تری را به زنان و جامعه‌ی انسانی وارد سازد. در کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان ابعاد مختلف وجودی زن نادیده انگاشته شده و تنها برآورده شدن حقوق زن را منوط به یکسانی با حقوق مردان می‌داند (سبحانی، ۱۳۸۵). منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان بخش‌های مختلف و فصل‌بندی‌های متفاوتی دارد که در این پژوهش به صورت مجزا بررسی شده است.

بخش‌بندی منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نمودار شماره ۱ نشان داده شده است:



نمودار ۱. تقسیمات منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران

۳- بررسی تطبیقی تعاریف موجود در کنوانسیون و منشور

در کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان تعریف مشخصی از حق نشده است، اما به طور مشخص بر پای‌بندی منشور ملل متحد به حقوق اساسی بشر تأکید دارد و تنها به تعدادی از مشکلاتی که زنان در جامعه‌ی جهانی مبتلا به آن هستند، اشاره شده است و حقوق زنان را فقط در تساوی حقوقی بین زن و مرد بیان می‌کند. در خصوص مسئولیت نیز تنها به سهم زنان در تحقق رفاه خانواده، پیشرفت جامعه و اهمیت اجتماعی مادری، نقش والدین در خانواده و تربیت کودکان و تقسیم مسئولیت بین زن و مرد در تربیت کودکان صحبت به میان آورده است. در حالی که در منشور حقوق زنان، حق به معنای توانایی، امتیاز و مصونیت است. همچنین در این منشور مسئولیت این گونه توصیف شده است: «تکالیفی که زن نسبت به دیگران بر عهده دارد». حق در لغت به معنای راست، درست، ضد باطل (عمید، ۱۳۷۱: ۱۸۹) و حقوق عبارت است از «مجموعه قواعدی که افراد جامعه باید آنها را در روابط خود رعایت کنند و بر اساس آن قواعد اختیارات و آزادی‌های هر کس و تکالیفی که در برابر دیگران دارند تعیین می‌گردد» (عاملی، ۱۳۵۰).

تفسیر دینی از «حقوق بشر» با تفسیر آن در متن جامعه‌ای که مبانی سکولار دارد، با هم متفاوت است. قلمرو حقوق بشر در نگاه دینی منحصر به این جهان نبوده و جهان آخرت را نیز در بر می‌گیرد و چه بسا حقوقی در این دنیا مطرح شود که از نگاه اعتقاد به دنیای آن جهانی، برای انسان خسروانی را به بار آورد. نگاه غربی به انسان بیشتر جنبه‌ی مادی و بنابراین

بررسی انتقادی کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان

ارزش حقوق به ارزش لذت مادی بستگی دارد (بکر، ۱۳۸۰: ۳۲). این در حالی است که انسان موجودی فراماده است؛ لذا حقوق نباید تنها تأمین کننده‌ی لذا لذت مادی وی باشد، بلکه باید نیازهای روحی و غیر مادی انسان را نیز در بر گیرد. از طرف دیگر، بنا به اعتقاد برخی از متفکران اسلامی، هر استعداد طبیعی مبنای یک حق طبیعی است و یک سند طبیعی برای آن به شمار می‌آید. دستگاه خلقت هر نوعی از انواع موجودات را در مداری مخصوص به خود قرار داده و سعادت او را هم در این قرار داده که در مدار طبیعی خودش حرکت کند (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۷۷). بنابراین سعادت انسان وقتی تأمین می‌شود که هم جنبه‌های مادی او و هم جنبه‌های معنوی انسان در حقوق و تکالیف لحاظ شود.

۴- بررسی تطبیقی حقوق و مسئولیت‌های فردی زنان در کنوانسیون و منشور

در کنوانسیون رفع تبعیض، حقوقی به عنوان حقوق فردی با عنوانی مجزا در نظر گرفته نشده است، اما با بررسی مفاد حقوقی در این کنوانسیون به نظر می‌رسد مواد ۱، ۲، ۶ و ۹ به حقوق فردی پرداخته است. در ماده ۱ این کنوانسیون عبارت «تبعیض علیه زنان» به معنی قائل شدن هرگونه تمایز، استثناء یا محدودیت بر اساس جنسیت است که در به رسمیت شناختن حقوق بشر زنان و آزادی‌های آنها و بهره‌مندی و اعمال آن حقوق بر پایه‌ی مساوات با مردان صرف نظر از وضعیت تأهل آنها در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، مدنی و دیگر زمینه‌ها اثر مخرب دارد یا اصولاً هدفش از بین بردن این وضعیت است.

در این کنوانسیون تأکید اصلی بر تساوی زن و مرد است و هرگونه تبعیض قانونی را رد می‌کند. یکی از حقوق فردی تأکید شده در کنوانسیون، ماده ۹ آن است که برای زنان متأهل تابعیت مستقل قائل است. بدین ترتیب هر یک از زوجین می‌توانند جدای از یکدیگر در کشور متبوع خود با کمال آزادی به زندگی فردی خود ادامه دهد و فرزندان را از نعمت داشتن خانواده‌ی منسجم محروم سازد. با توجه به ادبیات حاکم بر کنوانسیون، اعضای خانواده اشخاص منفردی هستند و خانواده حقوق جداگانه و شکل محتوایی ندارد و می‌تواند به صورت تک والدینی نیز اداره شود که این موارد از مصادیق ترویج فرهنگ فردگرایی در کلیت فرهنگ غرب است (محمدی، ۱۳۸۶).

کنوانسیون در بخش حقوق فردی تنها به تساوی حقوقی آن هم در زمینه‌ی تابعیت پرداخته است و در زمینه‌های دیگر به طور مبهم و کلی از این تساوی سخن به میان آورده است. این در حالی است که در منشور حقوق زنان در ایران در کنار مسئولیت‌های زنان، بند مشخصی به حقوق فردی زنان اختصاص یافته است و به شخصیت زن به عنوان موجودی مستقل از مرد و یک «نوع» انسان نگاه شده است و حقوق اعطاء شده به وی تنها با مقیاس حقوق مردانه سنجیده نشده بلکه سعی شده از حقوق فردی زنان در ابعاد جسمی، روانی و اخلاقی سخن به میان آورد. از جمله حقوق فردی ذکر شده در این منشور، حق برخورداری از حیات شایسته و تمامیت جسمانی و مسئولیت محافظت از آن، حق تکریم و حق داشتن تابعیت و یا حتی سلب آن به درخواست فرد می‌باشد. حق حیات از جمله مهم‌ترین و اساسی‌ترین

بررسی انتقادی کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان

حقوق است. مبنای حقوق اسلامی اراده‌ی شارع است. خدامالکی و دیدگاه خلیفه‌الله بودن انسان از جمله مهم‌ترین مبانی بینشی این حق محسوب می‌شود. از این رو به افراد و حتی خود شخص اختیار از میان بردن آن را نمی‌دهد (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۴).

در منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان، بندهایی به حق آزادی اندیشه در کنار حق آزادی انجام مراسم دینی برای زنان پیرو اقلیت‌های دینی در نظر گرفته شده است. در این منشور دو مسئولیت فردی نیز ذکر شده است که عبارت‌اند از: حق و مسئولیت در برخورداری از ایمان و تقوا و حق و مسئولیت در برابر محیط زیست سالم. در نظر گرفتن این مسئولیت‌ها در منشور حقوق زنان ایران نشانه‌ی اهمیت دادن به وجود زن است و او را نه موجودی ضعیف و ناتوان و فارغ از هر گونه وظیفه، بلکه وجودی که نسبت به جسم و روح خویش تعهد دارد، معرفی می‌کند. اجلاس سازمان ملل درباره‌ی توسعه و محیط زیست (UNECED) در ریو دوزانیرو در سال ۱۹۹۲ نقش قاطع زنان در دستیابی به نوعی متفاوت از توسعه را که به طور اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی پایدار باشد بازشناسی کرد و بر سهم اساسی آنها در مدیریت محیط زیست و توسعه‌ی بیشتر تأکید نمود. طبق نظر هماتی^۱ (۲۰۰۰) مدارکی وجود دارد که زنان از نظر زیست محیطی آگاه‌تر از مردان هستند و بیشتر در فعالیتهای حفاظت از محیط زیست از قبیل بازیافت مواد زائد، خرید آگاهانه‌ی کالاهای سازگار با محیط زیست و غیره

1-Heemati

درگیرند (اکبری، ۱۳۹۱). بنابراین با در نظر گرفتن یک حق طبیعی برای استفاده از محیط زیست سالم در کنار دادن مسئولیت برای حفاظت از آن می‌توان باعث افزایش حضور بهینه‌ی زنان در امر توسعه‌ی محیط زیست باشد که این امر با ارتقاء سطح دانش و بینش زنان در خصوص حفاظت و نحوه‌ی استفاده از محیط زیست میسر می‌باشد.

۵- بررسی تطبیقی حقوق و مسئولیت‌های خانودگی زنان در کنوانسیون و منشور

در کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان مانند دیگر قسمت‌های کنوانسیون، حقوق خانوادگی بند جداگانه‌ای ندارد، اما با تحقیق در مفاد این کنوانسیون مشخص می‌شود که مواد ۵، ۱۳، ۱۵ و ۱۶ به این موضوع اختصاص یافته است. در این مواد نیز تساوی بین حقوق زن و مرد، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است؛ برای نمونه تساوی زن و مرد را در حق انتخاب مسکن، محل اقامت، انعقاد ازدواج و انحلال آن، ولایت و حضانت و قیمومیت با حفظ اولویت فرزندان می‌توان در مواد این کنوانسیون مشاهده کرد. بررسی مفاد مختلف این کنوانسیون نشان می‌دهد که خانواده در این دیدگاه نهادی متشکل و منسجم نبوده و هماهنگی و سرپرستی در بین افراد آن به چشم نمی‌خورد به طوری که همه‌ی اعضای خانواده از لحاظ نقش و حقوق جایگاه یکسانی دارند و این مسئله ریشه در فردگرایی و اندیشه‌های لیبرالیستی فرهنگ غرب دارد. این در حالی است که در منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در ایران سه قسمت مجزا با عناوین حقوق و مسئولیت‌های دختران، حقوق

بررسی انتقادی کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان

و مسئولیت‌های زنان در تشکیل و تداوم خانواده و حقوق و مسئولیت‌های زنان در انحلال خانواده بحث شده است. زن یکی از عناصر انسانی خانواده است که با حضور او خانواده شکل می‌گیرد. زن می‌تواند نقش‌های مختلفی را در خانواده بپذیرد. نقشی که زن در خانواده می‌یابد حقوق و تکالیف وی را مشخص می‌کند. نقش همسری به حقوق و تکالیف متقابل بین زن و شوهر می‌انجامد و نقش مادری در ارتباط وی با فرزندان مطرح می‌شود. به فرزند دختر نیز بر حسب نقش اولاد بودن یا خواهر بودن حقوق و تکالیفی در خانواده تعلق می‌گیرد (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰: ۴۳). در منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در ایران به دختران به عنوان یک عضو مؤثر در خانواده اشاره شده و حضانت به معنای سرپرستی جسمی و روانی جزء نیازهای آنها شمرده شده است. در نهایت نیز به مسئولیت دختران اشاره شده و آنها را نه عضوی غیر فعال بلکه مسئول نسبت به پدر و مادر دانسته و لزوم اطاعت از دستورات مشروع آنها را یادآور می‌شود که نشان از جایگاه ویژه‌ای است که دین اسلام برای والدین در نظر دارد. در خانواده‌ای بر مبنای تئوری اسلام نه محوریت با فرزندان است نه با والدین، بلکه محدوده‌ی اختیارات هر عضو خانواده بر مبنای دستورات دینی و الهی و سیره‌ی ائمه (علیهم‌السلام) اتخاذ می‌شود. ولیهلم هنریش ریل - از بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی خانواده در قرن نوزدهم - معتقد است که زیربنای جامعه در خانواده شکل می‌گیرد. برای بقای خانواده، تقسیم کار و تفکیک نقش‌ها ضرورتی بی‌بدیل است و تقسیم نقش‌ها نظام سلسله‌مراتبی را می‌آفریند. از نگاه وی باید اعضای خانواده نظام

سلسله مراتبی را بپذیرند و پیروی از رهبری در خانواده را باید حمایت کرد. در نظریه‌ی وی که به «اصالت حق طبیعی» شهرت یافته است، نظام سلسله مراتبی با طبیعت مردانه و زنانه هماهنگ است. طبیعت مرد به مدیریت و طبیعت زن به مدیریت پذیری متمایل است (مهدوی، ۱۳۸۳). در همین راستا، این منشور بر عدم تبعیض بین دختر و پسر در خانواده برای برآورد نیازهای آنها تأکید می‌کند. در بند مربوط به حقوق و مسئولیت‌های زنان در تشکیل خانواده آمده است که زنان نه فقط حق تحکیم زندگی را دارند، بلکه آنها مسئول در تحکیم خانواده هستند و برای این منظور حمایت‌ها و ضمانت‌های قانونی هم در نظر گرفته شده است. از دیگر حقوق مطرح شده در این منشور، حق زنان در انتخاب همسر شایسته است. آیه‌ی ۲۱ سوره‌ی روم به این نکته اشاره می‌فرماید که «از نشانه‌های قدرت اوست که برایتان از جنس خودتان همسرانی آفرید تا به ایشان آرامش یابید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد...». این آرامش به هماهنگی و همکاری زن و شوهر بستگی دارد و یکی از مهم‌ترین راه‌های ایجاد آن این است که هر کدام از همسران به میل و رغبت، جفت خود را انتخاب کرده باشد؛ کما اینکه در اسلام نیز این حق برای زنان به رسمیت شناخته شده است. یکی از نکات متفاوت قوانین ایران با کنوانسیون در آزادی انعقاد ازدواج برای دختران این است که در ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی مقرر شده است: «نکاح دختری که هنوز شوهر نکرده، اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد، موقوف به اجازه‌ی پدر یا جد پدری اوست و هرگاه پدر یا جد پدری بدون علّت موجه از دادن اجازه مضایقه کند،

بررسی انتقادی کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان

دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد به او شوهر کند و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده به دادگاه مدنی خاص مراجعه و به توسط دادگاه مزبور مراتب به پدر یا جد پدری اطلاع داده شود و بعد از ۱۵ روز از تاریخ اطلاع و عدم پاسخ موجه از طرف ولی، دادگاه مزبور می‌تواند اجازه نکاح را صادر نماید». به نظر می‌رسد به لحاظ قدرت بیشتر احساسات و عاطفه در دختران، این قانون برای جلوگیری از تصمیمات عجولانه و احساس گونه‌ی ایشان در امر ازدواج وضع شده است؛ البته برای جلوگیری از سوء استفاده‌ی ولی در امر اجازه برای ازدواج، این مهم به دادگاه صالح سپرده شده است.

یکی از مسئولیت‌های مطرح شده در منشور حقوق زنان در ایران، رعایت حقوق جنین و محافظت از آن است. بر خلاف تفکر رایج در فمینیسم که علت ستم بر زنان را زیست‌شناسی بدن زن و قابلیت باروری و زادآوری او می‌دانند، منشور برای زنان در این زمینه مسئولیت مهمی در نظر گرفته است. از دیگر حقوق و مسئولیت‌های برشمرده شده در منشور برای زنان، حضانت و تربیت فرزند است و در این امر لزوم حمایت و مشارکت همسر الزامی شمرده شده است. ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد: «نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابویین است». در ماده ۱۱۶۹ اصلاح شده نیز آمده است: «برای حضانت و نگهداری طفلی که ابویین او جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند مادر تا سن هفت سالگی اولویت دارد و پس از آن با پدر است.

تبصره - بعد از هفت سالگی در صورت حدوث اختلاف حضانت طفل با رعایت مصلحت کودک به تشخیص دادگاه می‌باشد».

در اصلاحیه‌ی اخیر سنّ حضانت مادر برای فرزند دختر و پسر یکسان تعیین شده که نشان از اهمیت نقش مادر برای پرورش و تربیت کودکان می‌باشد. در ابتدای امر این‌گونه به نظر می‌رسد که تفاوت گذاشتن قانون‌گذار بین مادر و پدر در امر حضانت ظلم به مادر بوده و محرومیت از حقوق وی تلقی می‌شود. در حالی که در کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض از زنان، حق حضانت به عنوان حقی مساوی بین مادر و پدر لحاظ شده است. نتیجه‌ی اعطای چنین حق و اختیاری به زنان غربی سبب شده معضلات زیادی برای آنها به وجود آید که یکی از مهم‌ترین آنها مشکلات افزایش خانواده‌های بدون پدر و بالا رفتن آمار خانواده‌های مادر سرپرست شده است.

۶- بررسی تطبیقی حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی زنان در کنوانسیون و منشور

مشارکت اجتماعی به معنای نقش و سهم زنان در اموری است که سرنوشت جامعه را رقم می‌زند. از جمله شاخص‌های حضور اجتماعی زنان حق تصمیم‌گیری و انتخاب، حق آموزش و تحصیلات، حق بهره‌برداری از امکانات و منابع عمومی و استیفای حقوق فردی و اجتماعی خود می‌باشد. برخی نیز بر این باورند که منظور از مشارکت مدنی همکاری با «نهادهای مدنی غیروابسته به دولت» (NGO) یا عضویت در این گونه نهادهاست (عبداللهی، ۱۳۸۷: ۱۳). بدین ترتیب میزان حضور زنان در فعالیت مدنی به ویژه به

بررسی انتقادی کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان

صورت سازمان یافته و دست کم به شکل عضویت در سازمان‌های مردم‌نهاد معیار مهمی برای اندازه‌گیری مشارکت اجتماعی زنان است (علاسوند، ۱۳۹۰: ۲۵۶). یکی از مهم‌ترین جنبه‌های مشارکت اجتماعی به خصوص در حوزه‌ی جنبش فمینیسم، مشارکت سیاسی است. در یک تعریف کلی، مشارکت سیاسی شرکت در امور سیاسی و گزینش رهبران سیاسی توسط مردم است (ساروخانی، ۱۳۷۵: ج ۲، ص ۵۶۹). این در حالی است که فمینیسم نیز مشارکت سیاسی زنان را حضور در عرصه‌ی تصمیم‌گیری و مدیریت‌های سیاسی و راهی به سوی گسترش و توانمند سازی زنان شمرده است (دفتر امور زنان ریاست جمهوری، ۱۳۷۶: ۳۲).

در مفاد کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، بیشترین حقوقی که برای زنان در نظر گرفته شده است حقوق اجتماعی - سیاسی است. این امر بدین علت است که یکی از چالش‌های زنان در ادوار مختلف، آزادی‌های سیاسی و حق شرکت در مناصب سیاسی بوده است؛ چرا که ظلم و ستم به زنان در طول تاریخ و حاکمیت مردسالاری بر جوامع، بسیاری از حقوق اجتماعی و مدنی زنان را سلب کرده است. بنابراین حتی جنبش‌هایی مانند فمینیسم در ابتدای امر تأکید بیشتر بر حقوق سیاسی زنان داشتند. بدین ترتیب در ابتدای قرن بیستم مبارزه برای حق رأی شکل جدی‌تری به خود گرفت. در سال ۱۹۰۳ در انگلستان تشکلی به نام «اتحادیه‌ی سیاسی و اجتماعی زنان» (wspu) به وجود آمد و از جمله اقدامات آن انتشار روزنامه‌ی «حق رأی برای زنان» بود. پس از جنگ جهانی اول، حدود ۲۱ کشور برای زنان حق رأی به دست آوردند

(رودگر، ۱۳۸۸: ۵۳). نیوزیلند به عنوان اولین کشور در سال ۱۸۹۳، استرالیا در سال ۱۹۲۰، فنلاند در سال ۱۹۰۶، آمریکا در سال ۱۹۵۶ و ایران در سال ۱۹۶۳ حق رأی را به زنان اعطا کردند (علاسوند به نقل از گیدنز، ۱۳۹۰: ۲۴۱). این حق نیز مانند دیگر ماده‌های این معاهده بر پایه‌ی تساوی بین زن و مرد طراحی شده است. در ماده ۳ آمده است که «دولت‌های عضو باید در همه‌ی زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برخوردار از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی آن هم بر پایه‌ی تساوی با مردان را تضمین کنند». همچنین مواد ۷ و ۸ به صراحت تأمین و ایجاد شرایط مساوی برای حضور سیاسی زنان مانند حق رأی و حق انتخاب شدن و به عهده گرفتن پست‌های سیاسی و حتی در سطح بین‌المللی را بر عهده‌ی کشورهای عضو نهاده است. این در حالی است که در منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان ایران در بخش سوم به تفصیل، حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی زنان تبیین شده است. در واقع این منشور تنها به فعالیت و حضور اجتماعی - سیاسی زنان اکتفا نکرده و حقوق و مسئولیت‌های زنان در این حیطه را بسیار گسترش داده است و با نگاهی جامع‌تر به موضوع حضور اجتماعی زنان پرداخته است. در این منشور، ذیل عنوان حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی زنان، فصل‌های جداگانه‌ای را به حقوق و مسئولیت‌های زنان در امر سلامت جسمی و روانی، حقوق و مسئولیت‌های زنان در عرصه‌ی فرهنگ و معنویت، حقوق و مسئولیت‌های زنان در عرصه‌ی اقتصاد، سیاست و قضاوت اختصاص داده است. از جمله حقوق سیاسی زنان که در منشور ایران بر آنها تأکید شده

بررسی انتقادی کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان

است، حق کسب آگاهی و مشارکت در تعیین مقدرات کشور، حق آزادی بیان و قلم، حق شرکت در انتخابات و انتخاب شدن در مجلس می‌باشد. با توجه به اینکه اصول منشور زنان ایران بر پایه‌ی مبانی دین اسلام طرح‌ریزی شده است، جواز شرکت زنان در فعالیت‌های سیاسی نیز جنبه‌ی دینی دارد که البته به تاریخ صدر اسلام باز می‌گردد. یکی از حرکت‌های سیاسی زنان در صدر اسلام به سال دوازدهم بعثت برمی‌گردد که دوازده مرد از قبیله‌های اوس و خزرج در عقبه اول با پیامبر (ﷺ) ملاقات و بیعت کردند و رسول خدا (ﷺ) با زنان نیز بیعت فرمودند (غروی نائینی، ۱۳۸۸). همچنین در روز عید غدیر نیز زنان با حضرت علی (ع) بیعت کردند (دشتی، ۱۳۸۶ به نقل از متهی الآمال، ج ۱، ص ۱۸۰). علاوه بر بیعت، زنان در هجرت‌های سیاسی، دفاع از امام و ولایت نیز شرکت داشته‌اند. بنابراین شرکت زنان در عرصه‌های سیاسی در تاریخ اسلام مسئله‌ی جدیدی نیست و از زمان ظهور اسلام وجود داشته است. باید توجه داشت که بین مشارکت سیاسی و داشتن منصب سیاسی تفاوت است. بسیاری از مراجع و فقها به استناد دلایل قرآنی و روایی برخی مسئولیت‌های سیاسی مانند ولایت و قضاوت را برای زنان جایز نمی‌شمارند.

یکی از نکات مهمی که در منشور حقوق زنان ایران به طور مستقل مطرح شده است، حقوق و مسئولیت‌های اقتصادی زنان است. خداوند در آیه‌ی ۳۲ سوره‌ی نساء می‌فرماید که زنان مالک مالی هستند که آن را کسب

می‌کنند.^۱ همچنین دلیلی که از سنت می‌توان برای جواز اشتغال ارائه کرد تقریر معصوم از فعالیت‌های اقتصادی زنان است. در عصر پیامبر (ﷺ) زنان به فعالیت‌هایی مانند ساخت صنایع دستی، بافندگی و نساجی، عطر فروشی، آرایشگری، درمان بیماری‌ها و چوپانی می‌پرداختند. خدیجه کبری (رضی الله عنها) نیز کاروان‌های تجاری بزرگی داشت (علاسوند، ۱۳۹۰: ۲۸۰-۲۶۶). بنابراین اصل فعالیت اقتصادی برای زنان امری غیرمجاز نیست. تنها مسئله‌ی اجازه گرفتن زن از شوهر مطرح است که طبق قانون زن باید هنگام خروج از منزل از همسر خود کسب اجازه نماید (دیگر موارد قانونی و فقهی این مسئله در کتب فقهی و قانون خانواده آمده است که جهت کسب اطلاعات بیشتر به آنها مراجعه شود). آنچه از لحاظ دینی و اجتماعی قابل بحث است اینکه از طرفی غیر از مسئله‌ی شرعی کسب اجازه‌ی زن از شوهر، زنان باید بدانند که فعالیت اقتصادی آنها هم به کرامت و انسانیتشان ضربه وارد نکند و هم اینکه به نقش همسری و مادری آنان لطمه نزند. در ماده ۱۱ کنوانسیون آمده که دولت‌های عضو باید اقدامات مقتضی برای رفع تبعیض در زمینه‌ی اشتغال را برای زنان فراهم آورند. در اصل این موضوع خللی وارد نیست، اما گاهی شرایط مساوی کار برای زنان و مردان، آسیب‌های جدی را به زنان وارد می‌کند چرا که هم از لحاظ جسمی، هم از جنبه‌های روحی و روانی زنان و مردان تفاوت‌هایی را دارند که در هنگام کسب شغل باید به آنها توجه شود تا از بروز بیماری‌های جسمی و روانی جلوگیری شود.

۱- ... والنساء نصیبٌ مما اکتسبن

بررسی انتقادی کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان

در ماده ۱۰ کنوانسیون نیز به تضمین حقوق مساوی بین زن و مرد در زمینه‌ی امکان دسترسی به مراکز آموزشی و اخذ مدرک از این مؤسسات تأکید شده است. گفتنی است که مطابق قسمت ج این ماده هر گونه مفهوم تقلیدی و کلیشه‌ای از نقش زنان و مردان باید محو شود و در عین حال به مختلط بودن آموزش پسر و دختر اشاره شده است که این مسئله باز به تأکید تساوی بین زن و مرد در همه‌ی زمینه‌ها باز می‌گردد. همچنین اینکه «نقش‌های کلیشه‌ای» چه چیزهایی می‌تواند باشد خود جای تأمل دارد. مهم‌تر آنکه ارتباط بین زدودن نقش‌های کلیشه‌ای با آموزش مختلط چیست؟ آیا نمی‌توان همان آموزش‌هایی که به مردان داده می‌شود به صورت جداگانه به زنان نیز آموزش داد؟ (مهدوی‌زادگان، ۱۳۸۲) از ابهام اختلاط که بگذریم، یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف موجود در فرهنگ غرب، ضعف خانواده و یکی از علت‌های آن ضعف نقش‌آموزی جنسیتی دختر و پسر است. خانواده‌ها باید بتوانند دختران و پسران خویش را برای نقش مادری و پدری در آینده تربیت کنند و این مستلزم پذیرش تفاوت‌های موجود بین آنهاست، نه اینکه این تفاوت‌ها موجب تمایز رفتاری بین آنها شود. قبول این مسئله که همه در انسانیت و ارزش‌های انسانی یکسان هستند - ولی به دلیل برخی تفاوت‌های جسمی و روانی وظایف و نقش‌هایی که طبیعت بر عهده‌ی آنها نهاده متفاوت است - در روان‌شناسی زنان سابقه‌ی کاملاً معتبری دارد که به روان‌شناسی افتراقی معروف است. همچنین از لحاظ جسمی، می‌توان سه دسته‌ی اصلی از تأثیرات زیست‌شناسی را در تفاوت‌های جنسیتی و رفتار زنان نام برد که

عبارت‌اند از زن‌ها، هورمون‌ها و عوامل مغزی. از لحاظ عوامل مغزی، مردان در مقایسه با زنان مغزهای به نسبت بزرگ‌تری دارند و تفاوت‌های جنسیتی در کارکرد دو نیمکره‌ی مغز وجود دارد (شیبلی‌هاید، ۱۳۸۲: ۳۳۶-۳۲۰). فصل دوم از بخش سوم منشور حقوق زنان ایران به تفصیل به حقوق و مسئولیت زنان در امر آموزش پرداخته است. در این مباحث نه تنها به حقوق زنان در سوادآموزی و ارتقاء آموزش عالی تا بالاترین سطح آموزشی پرداخته شده است، بلکه مسئولیت آنها در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های علمی را نیز یادآوری کرده است.

از دیگر حقوقی که در کنوانسیون به اختصار بیان شده، تساوی زن و مرد در اهلیت قانونی و مراحل دادرسی است، در حالی که در منشور حقوق زنان ایران به تفصیل به حقوق و مسئولیت‌های قضایی زنان پرداخته شده است. از جمله حقوقی که در این منشور برای زنان به رسمیت شناخته شده است، حق زنان در برخورداری از آموزش‌های حقوقی، حق حمایت قانونی در راستای ایجاد صلح و سازش در خانواده، حق اقامه‌ی دعوی در نزد محاکم دادگستری و حق دسترسی زنان به نیروی انتظامی در صورت تعرض یا بزه‌دیدگی می‌باشد. یکی از مهم‌ترین نمودهای ظلم و ستم به زنان در جامعه رعایت نکردن قانون در زمینه‌ی دفاع از زنانی است که یا در خانواده و یا در جامعه به آنها تعرض شده است. اگر زنان بتوانند در مقابل هر ظلم و تعرضی بدون قوانین دست‌وپاگیر و به سهولت به مراجع قضایی مراجعه کنند، این احساس حمایت قانونی، سلامت جسمی، روانی، معنوی و اجتماعی افراد

بررسی انتقادی کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان

جامعه را تضمین خواهد کرد و باعث کاهش بسیاری از تعرضات به زنان می‌شود.

در منشور حقوق زنان ایران حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی زنان در ابعاد سلامت جسمی و روانی، فرهنگی، آموزشی و پژوهشی، اقتصادی، سیاست و حتی دفاعی تبیین شده است. این منشور ابعاد مختلف سلامت را با توجه به تعریف سازمان جهانی بهداشت مبنی بر تعریف سلامتی مورد نظر قرار داده است. تعریف سازمان جهانی بهداشت از سلامتی عبارت است از «تأمین رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی که معنای آن تنها به نبودن بیماری و نقص عضو محدود نشده بلکه شامل سه محور جسم، روان و جامعه می‌شود» (حاتمی، ۱۳۸۵: ۳۴). در منشور حقوق زنان ایران سلامتی در سنین مختلف و ابعاد مختلف زندگی دختران و زنان مورد توجه بوده است و محدود به دوره‌ی خاصی نشده است. در حالی که کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان مسئله‌ی مهم سلامتی زنان و دختران را محدود به مراقبت در دوران بارداری کرده و از حقوق زنان نسبت به داشتن امکانات لازم و کافی و با کیفیت مقتضی صحبتی به میان نیاورده است.

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف مقایسه‌ی منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران با مفاد کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان با روش اسنادی انجام شده است. این کنوانسیون در سال ۱۹۷۹ در مجمع سازمان ملل متحد بر پایه‌ی «کرامت و ارزش هر فرد انسانی و

برابری حقوق زن و مرد با این اصل که تبعیض مقبول نیست به تصویب رسیده است. این کنوانسیون تنها بیان کننده‌ی نگاه غرب بدون در نظر گرفتن مذهب، فرهنگ و آداب و رسوم دیگر کشورها می‌باشد. این در حالی است که مبانی منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در جمهوری اسلامی ایران با الهام از شریعت جامع اسلام تدوین شده است. اصول اساسی منشور بر این اعتقاد بنیادی استوار است که در اسلام زن و مرد در فطرت و سرشت و هدف خلقت، برخورداری از استعدادها و امکانات، امکان کسب ارزش‌ها و پاداش و جزای اعمال در برابر خداوند یکسان هستند و انسان‌ها فارغ از جنسیت فقط به واسطه‌ی رشد همه جانبه‌ی انسانی در سایه‌ی رشد دانش و علم و تقوای الهی بر یکدیگر مزیت دارند. هدف این منشور تبیین نظام‌مند حقوق و مسئولیت‌های زنان در عرصه‌های حقوق فردی، اجتماعی و خانوادگی می‌باشد. همچنین ایجاد زمینه‌ی رشد هماهنگ و متوازن ابعاد مادی و معنوی در زندگی فردی و اجتماعی زنان می‌شود. آنچه بیشترین مورد را در کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض از زنان به خود اختصاص داده، قائل شدن تساوی زن و مرد در تمامی حقوق می‌باشد که به نظر می‌رسد این مسئله در نهایت به ضرر زنان است؛ چرا که در نظر نگرفتن تفاوت‌های زن و مرد در تدوین حقوق، خود ظلم مضاعف به زنان است، زیرا زنان با داشتن نقش مهم مادری، مسئولیت بسیار خطیر و مهمی را در خانواده و در نهایت در جامعه دارند. این مسئله اقتضا می‌کند زنان از برخی تکالیف اجتماعی مبرا باشند تا بتوانند با طیب خاطر به امر تربیت فرزند پردازند. یکی

بررسی انتقادی کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان

از این مسئولیت‌ها، فعالیت اقتصادی است. اگر زنان چونان مردان در جامعه برای کسب معاش در تلاش باشند و حقوق و مزایای خانوادگی برای تأمین مخارج زندگی-مانند نفقه- نداشته باشند مجبورند هم‌زمان هم مسئولیت فرزندان را بر عهده بگیرند و هم در فعالیتهای اقتصادی دوشادوش مردان به کار و فعالیت مشغول شوند و یا راه حل دیگری را برگزینند و آن ازدواج نکردن است که خود عواقب بدتری را برای آنها رقم خواهد زد. در منشور حقوق زنان ایران با توجه به جایگاه فردی، خانوادگی و اجتماعی زنان برای آنها حقوقی را مطابق با مبانی اسلام در نظر می‌گیرد.

یکی دیگر از مهم‌ترین تفاوت‌های این دو سند، این است که کنوانسیون تنها به بیان حقوق زنان اشاره کرده و مسئولیتی برای آنها در نظر نگرفته است، در حالی که منشور حقوق زنان در ایران حقوق و مسئولیت‌ها را دو روی یک سکه می‌داند و نشان از حضور مؤثر و با اهمیت زنان در عرصه‌های مختلف خانوادگی و اجتماعی است.

از دیگر تفاوت‌های اساسی بین این دو سند، کامل‌تر بودن منشور حقوق زنان در مقایسه با کنوانسیون است. در منشور حقوق زنان ایران سعی شده است حقوق و مسئولیت‌های زنان از تمامی جهات و به طور کامل مورد توجه قرار گیرد.

در نهایت راه‌کارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

- فرهنگ‌سازی جهت آشنایی زنان و دختران جامعه از تدوین منشور حقوقی برای آنان؛

- اطلاع‌رسانی به ارگان‌ها و سازمان‌های مختلف از وجود چنین منشوری با هدف تأمین و برآورده شدن حقوق زنان؛
- فراهم کردن ضمانتی برای اجرای آن با هدف حل مشکلات حقوقی زنان در جامعه؛
- ارائه به کشورهای مسلمان در کنفرانس کشورهای اسلامی.

منابع

- ◀ اکبری، حسین. «نقش زنان در توسعه پایدار محیط زیست»، زن در توسعه و سیاست، ش ۳۹، (۱۳۹۱).
- ◀ باقرزاده، محمدرضا. «نگاهی به حقوق زن در اسلام، نقدی بر کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان»، معرفت، ش ۷۰، (۱۳۸۲).
- ◀ بکر، لارنس ۱۳۸۰. فلسفه اخلاق، جمعی از مترجمان، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ◀ دانش پژوه، مصطفی و قدرت‌الله خسروشاهی ۱۳۸۹. حقوق‌شناسی عمومی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ◀ دشتی، محمد ۱۳۸۶. غدیر شناسی، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (علیه السلام).
- ◀ دفتر مطالعات و تحقیقات زنان ۱۳۸۲. کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران.
- ◀ رودگر، نرجس ۱۳۸۸. فمینیسم، قم، مدیریت حوزه علمیه خاوران.
- ◀ حاتمی، حسین و دیگران ۱۳۸۵. کتاب جامع بهداشت عمومی، تهران، ارجمند.
- ◀ حکمت نیا، محمود ۱۳۹۰. حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی زنان، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ◀ جوادی آملی، عبدالله. «حقوق بشر از نگاه اسلام و غرب»، رواق اندیشه، ش ۹، (۱۳۸۱).
- ◀ ساروخانی، باقر ۱۳۷۵. درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان.

بررسی انتقادی کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان

- ◀ سبحانی، محمد تقی ۱۳۸۵. *الگوی جامع شخصیت زن مسلمان*، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان حوزه‌های علمیه خاوران.
- ◀ شبیلی‌هاید، جانت ۱۳۸۲. *روان‌شناسی زنان*، تهران، ارجمند.
- ◀ طاهری، منیره. «احقاق حقوق زن، کنوانسیون یا اسلام»، کتاب نقد، سال ۷، ش ۲۶ و ۲۷، (۱۳۸۲).
- ◀ عاملی، باقر ۱۳۵۰. *حقوق خانواده*، تهران، چاپخانه بیست و پنجم شهریور.
- ◀ عبداللهی، محمد ۱۳۸۷، *زنان در عرصه عمومی*، تهران، جامعه‌شناسان.
- ◀ علاسوند، فریبا ۱۳۹۰. *زن در اسلام*، قم، هاجر.
- ◀ عمید، حسن ۱۳۷۱. *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، امیرکبیر.
- ◀ غروی نائینی، نخله. «مشارکت سیاسی زنان صدر اسلام»، *مطالعات راهبردی زنان*، سال ۱۲، ش ۴۶، (۱۳۸۸).
- ◀ مصباح، محمد تقی ۱۳۷۸. *نظریه سیاسی اسلام*، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ◀ مطهری، مرتضی ۱۳۷۳. *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران، صدرا.
- ◀ محمدی، مریم ۱۳۸۶. *ماده شانزدهم کنوانسیون زنان از نگاه فقه شیعه*، قم، بوستان کتاب.
- ◀ مهدوی، سید محمد صادق. «خوانش انتقادی اشتغال زنان»، *حوراء*، ش ۸، (۱۳۸۳).
- ◀ مهدوی زادگان، داوود. «ابهامات سه گانه کنوانسیون»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۲۲، (۱۳۸۲).